



د افغانستان د اقتصادي او حقوقي مطالعاتو موسسه
موسسه مطالعات اقتصادي و حقوقي افغانستان
Afghanistan Economic & Legal Studies Organization

جهاد بی خشونت؛ چارچوب اقدام بدون خشونت در اسلام

نویسندگان: محمد بن یحیی النینوی و یحیی الشامی
مترجم: سارا فرجام

حوت 1401

چکیده

کشورهای با اکثریت مسلمان بالاترین گونه‌های نامتناسب از اقتدارگرایی و درگیری‌های خشونت‌آمیز را تجربه کرده‌اند که منجر به برداشت‌های نادرست در مورد رابطه اسلام با خشونت شده است. محققانی که شیوه‌های مقاومت غیرخشونت‌آمیز را توسط رهبران اسلامی ارائه می‌کنند، به‌طور گسترده کار نموده‌اند، تا ادبیاتی را که ذاتاً اسلام را به وحشی‌گری یا استبداد مرتبط می‌کند، به چالش بکشند. با این حال، ارائه مبانی نظری قرآنی و نبوی درباره‌ی کنش خشونت‌پرهیزانه توسط دانشمندان مسلمان در مفهوم مدرن به‌اندازه‌ی کافی ارائه نشده است. ما قصد داریم این شکاف را با ارائه دیدگاهی منسجم با اصل کلی بنیادی عدم خشونت همان‌طور که قرآن و سنت نبوی ارائه می‌دهد، پُر کنیم. این مقاله با تأکید بر اولویت، اهمیت و الزام جهاد بی‌خشونت، مفهوم جهاد را تعریف می‌کند، برخلاف برداشت اشتباه دانشگاهی و پوپولیستی از جهاد خشونت‌آمیز. علاوه بر این، ما نشان می‌دهیم که قرآن و سنت نبوی حق دفاع از خود در برابر تجاوز خشونت‌آمیز را از طریق تمام ابزارهای غیرخشونت‌آمیز ممکن تقویت می‌کند. این فقط آمادگی ستیزه‌جویانه را به‌عنوان یک عامل بازدارنده و در شرایط استثنایی برای متوقف کردن یک تهدید وجودی برای جامعه مجاز می‌کند. در نهایت، با ذکر مزایای اجتماعی جهاد غیرخشونت‌آمیز در مقایسه با خشونت، دلیل برتری شیوه‌های جهاد غیرخشونت‌آمیز بر خشونت را براساس چارچوب اسلامی فهرست می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: خشونت‌پرهیزی، اسلام، استبداد، جهاد، آزادی

1. مقدمه

نقش اسلام در حمایت از روش‌های خشونت‌پرهیزانه و بدون خشونت برای دستیابی به اصلاحات سیاسی-اجتماعی به ندرت مورد مطالعه قرار گرفته است. تلاقی اسلام و خشونت‌پرهیزی یک معمای ظاهری است، زیرا بسیاری اسلام را عاملی برای خشونت یا اقتدارگرایی می‌دانند. کشورهای با اکثریت مسلمان، به‌طور نامتناسبی دارای نرخ اقتدارگرایی بالاتری هستند. علاوه بر این، بیشتر جنگ‌ها از آغاز قرن بیست‌ویکم در کشورهای با اکثریت مسلمان رخ داده است (Kuru 2019، Gleditsch and Rudolfson 2016). برخی از روشن‌فکران بازنمایی بیش از حد خشونت و اقتدارگرایی را به اسلام نسبت دادند و اظهار داشتند که این اسلام ذاتاً مرزهایی را علیه ارزش‌های دموکراتیک ایجاد می‌کند (هانتینگتون ۱۹۹۶، لوئیس ۲۰۰۳). ادبیات متناظر گسترده‌ی در نقد برداشت‌های خشونت‌آمیز از اسلام پدیدار شد. این ادبیات رفتار اسلام را با قداست زندگی، خشونت‌پرهیزی از خشونت، و اقدامات غیرخشونت‌آمیز به تصویر می‌کشد و توضیحات جایگزین برای درگیری بیش از حد در کشورهای با اکثریت مسلمان ارائه می‌دهد (E. Said 1981, Esposito 1992, Abu-Nimer 2000, Jackson 2002, Abukhalil 2004, Tabassum 2019, Kuru 2019, Akyol 2021).

دانشمندان دانشگاه‌های غربی به‌طور معمول اسلام را از دریچه تاریخی، هم از نظر تفسیر متن اسلامی و هم از نظر رفتار مسلمانان مطالعه می‌کنند. سیر تاریخی به ما امکان می‌دهد تا تکامل و تنوع تفاسیر و ترتیبات سیاسی مسلمانان را همان‌طور که اتفاق افتاده است مورد مطالعه قرار دهیم. به‌طور خاص، آن‌ها فراوانی تفاسیر صلح‌آمیز و دستکاری بنیادگرایانه‌ی اسلام را برای اهداف ایدئولوژیک آشکار می‌کنند (اسپوزیتو ۲۰۰۲، گودمن ۲۰۰۳، حافظ ۲۰۰۳). علاوه بر این، آن‌ها موارد مختلف را ارائه می‌دهند که مسلمانان از روش‌های غیرخشونت‌آمیز و اقدامات مسالمت‌آمیز در جستجوی اصلاحات سیاسی-اجتماعی استفاده می‌کردند (برای مثال به استفان ۲۰۰۹، کورتز ۲۰۱۱، هالورسون ۲۰۱۲ مراجعه کنید). مشکل رویکرد آکادمیک غربی این است که تأثیر محدودی در متقاعد کردن علما و افراد عادی مسلمان به تجدید نظر در تفکر خودشان دارد، زیرا مستقیماً با معنای واقعی متن اسلامی درگیر نیست.

ما در چارچوب جریان سنتی پژوهشِ درمورد خشونت‌پرهیزی کار می‌کنیم، براساس کار دو روشن‌فکر مسلمان، جودات سعید و سعید نورسی (ج. سعید ۱۹۹۳؛ ابو‌نیمر ۲۰۰۰؛ ساییلگان ۲۰۱۹)، و برای توسعه بیشتر؛ ابو‌نیمر (۲۰۰۰) بیان کرد که سنت اسلامی مملو از منابع بالقوه برای پرداختن به درگیری‌های اجتماعی و سیاسی است که هنوز محقق نشده است. آن‌ها بر اهمیت صلح و پرهیز از خشونت تأکید می‌کنند و از دانشمندان زیرک و آشنا به سنت می‌خواهند که این بینش‌ها را به درستی استخراج کنند. اتهام او پذیرفته می‌شود. در مقایسه با بقیه، ما مبانی نظری سنتی را برای جهاد غیرخشونت‌آمیز با ارجاع گسترده به قرآن و سنت معتبر نبوی ارائه می‌کنیم، زیرا یکی از نویسندگان (محمد النینوی) یک محقق سنتی اسلامی است. جهاد غیرخشونت‌آمیز دسته‌ی وسیعی از رفتارهاست که می‌تواند از طریق اقدامات مسالمت‌آمیز منجر به تغییرات سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی شود (شارپ ۱۹۷۳، ۱۹۹۴، ۲۰۰۵، ۲۰۱۳؛ آکرمن و دووال ۲۰۰۰؛ چنووت و استفان ۲۰۱۱). با وجود عامل بالقوه‌ی الگوی اسلامی برای عدم خشونت در قرآن و سنت صحیح نبوی به نام سنت، صدهایی که روایت خشونت‌پرهیزی را پیش می‌برند در حاشیه قرار می‌گیرند. ما به دنبال پر کردن شکاف و ارائه یک الگوی اسلامی از اقدام بدون خشونت هستیم.

به صورت زیر عمل می‌کنیم. بخش بعدی مبانی نظری خشونت‌پرهیزی را از نظر آیات قرآن و سنت صحیح پیامبر اسلام مورد بحث قرار می‌دهد. بخش سوم تعریف جهاد در سنت اسلامی را مورد بحث قرار می‌دهد و تأکید می‌کند که اقدام غیرخشونت‌آمیز با تعریف آن مطابقت دارد و نسبت به روش‌های دفاعی خشونت‌آمیز بدون تهدید وجودی مستقیم تشویق می‌شود. بخش چهارم به بررسی این موضوع می‌پردازد که چرا براساس چارچوب اسلامی اقدام غیرخشونت‌آمیز بر خشونت برتری دارد و بر مزایای اجتماعی عدم خشونت تأکید می‌کند. و در بخش پنجم به پایان می‌رسد.

2. مبانی عدم خشونت در اسلام

قرآن پنج اصل برای عدم خشونت در اسلام ارائه می‌دهد. اولین پایه در همان آغاز بشریت است که خداوند به فرشتگان خبر می‌دهد که آدم را می‌آفریند "وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ" (قرآن ۲، آیه ۳۰): ترجمه " « آن‌گاه بر آدمیان نعمت ارزانی شد که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی قرار خواهم داد. فرشتگان گفتند: آیا در زمین کسانی را می‌گماری که در آن فساد می‌کنند و خون‌ها می‌ریزند، درحالی‌که ما همراه با ستایش تو، تو را تسبیح می‌گوییم و تقدیس می‌کنیم؟ خداوند گفت: من چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید.» اولین هشدار در برابر خشونت حتی قبل از خلقت آن‌ها به بشر داده می‌شود. درحالی‌که انذار از جانب فرشتگان بود، خداوند این هشدار را برای همیشه در قرآن ثبت کرد و آن را یک اصل گذرا قرار داد.

پایه دوم، درست بعد از خلقت آدم است که خداوند به فرشتگان دستور داد که بر آدم سجده کنند. همه‌ی آن‌ها عمل کردند مگر ابلیس یا شیطان که گفت "قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ ۖ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ" "قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَاجِمٌ" (قرآن ۳۸: ۷۶-۷۷): ترجمه «شیطان گفت: من از او به‌ترم، زیرا مرا از آتش و او را از گل خلق کرده‌ای؛ خداوند تعالی فرمود، ای شیطان جاهل و اینک از این جایگاه بیرون شو که تو غرور و تکبر کردی و سخت رانده‌ی درگاه ما شدی.» نتیجه قضاوت تکبرانه و مغرورانه شیطان در مورد برتری خود بر آدم براساس موادی که از آن آفریده شده‌اند، همراه با رد سرسختانه‌ی دستور خدا، تبعید از رحمت خداوند بود. نکته‌ی قابل تأمل در این آیات، نظر شیطان است که آتش را برتر از گل می‌داند، هر چند گل سازنده و آتش نابودکننده باشد. آیات فوق به توانایی انسان در ساخت و ساز به‌عنوان چیزی که به‌طور منحصر به فرد آن‌ها را از سایر مخلوقات متمایز می‌کند، اشاره می‌کند، نه توانایی آن‌ها در خشونت و تخریب.

پایه سوم عدم خشونت در داستان هابیل و قابیل ارائه شده است. آیات ذیل، منشأ منطق خشونت آمیز را نشان می دهد که برخاسته از حسادت و طمع است، که اولین شروع بشر در گناه بود.

"وَإِثْمُ عَلَيْهِمْ نَبَأُ أَبِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ"، "لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسٍ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ" ترجمه «داستان دو فرزند آدم را به حق بر آنها بخوان، هنگامی که هر کدام عملی برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند، اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد، برادری که عملش مردود شده بود به برادر دیگر گفت: به خدا سوگند تو را خواهم کشت. (برادر دیگر) گفت (من چه گناهی دارم زیرا) خدا تنها از پرهیزکاران می پذیرد»، "اگر تو برای کشتن من دست دراز کنی من دست به قتل تو نمی گشایم، چون از پروردگار جهانیان می ترسم» (قرآن ۵: ۲۸-۲۷).

منطق "من تو را خواهم کشت!" مشترک با قابیل؛ شعار ظالمان و جنایتکاران در هر عصری است. تا جایی که دنیا اسیر منطق قدرت در مقابل قدرت منطق شده است. آیات حاوی راه مناسبی برای پاسخ گویی به منطق قدرت، با قوه منطق است، همان طور که هابیل با برادرش استدلال می کند، گویا می گوید: «چرا می خواهی مرا بکشی؟ پذیرفتن قربانی من توسط خداوند تقصیر من نیست، صرفاً صداقت من بوده است.» هابیل هم چنین توضیح می دهد که در مقابل؛ تهدید را با تهدید یا خشونت را با خشونت پاسخ نمی دهد و بیان می کند که از خدا می ترسد و متضمن این است که مقابله متقابل شر است. اعتقاد او به آخرت او را از مبادله ی حتی تهدید به خشونت باز داشت. داستان نشان می دهد که خشونت پرهیزی منفعل نیست، زیرا قرآن انفعال و تسلیم در برابر شر یا خشونت را آموزش نمی دهد. از طریق تلاش برای تغییر نگرش مردم بدون ریختن خون و تخریب متقابل، با ساخت و ساز و مقاومت را آموزش می دهد.

چهارمین پایه خشونت پرهیزی از پاسخ هابیل، با اشاره به چگونگی واکنش پیامبران به تهدیدات قوم خود، اشاره می کند. رویکرد نبوی به اصلاحات همواره توسل به قوای اخلاقی را در اولویت قرار داده است. دعوت توحیدی حضرت ابراهیم با تهدید پدرش مبنی بر سنگسار مواجه شد (قرآن ۱۹: ۴۱-۴۶). حضرت ابراهیم در پاسخ فرمود: «سلام بر تو! از پروردگارم برای تو طلب مغفرت خواهم کرد. او به راستی نسبت به من

بسیار مهربان بوده است» (قرآن ۱۹: ۴۷). تهدیدهای خشونت‌آمیز مشابهی توسط حضرت ابراهیم در موارد دیگر (قرآن ۲۹: ۲۴)، حضرت نوح (قرآن ۲۶: ۱۱۶-۱۱۸)، حضرت لوط (قرآن ۷: ۲۴ و ۲۶: ۱۶۷) و حضرت شعیب (قرآن ۷: ۸۸-۸۹)، همه‌ی آنها با توسل غیر تهدیدآمیز به عقل، پاسخ دادند. دعوت حضرت موسی به فرعون، ظالمی که بسیاری از مردان، زنان و کودکان قبیله موسی را ذبح کرده بود، از ویژگی‌های نرمی نیز برخوردار بود. خداوند در قرآن در سوره موسی به موسی فرمود:

با ملایمت با او سخن بگو تا شاید از من بترسد یا از عذاب من بترسد. هر دو التماس کردند: «پروردگارا! ما می‌ترسیم که او به سرعت به ما آسیب برساند یا ظالمانه عمل کند.» خداوند به آنها اطمینان داد: «نترسید! من با تو هستم، می‌شنوم و می‌بینم. پس نزد او برو و بگو: ما هر دو فرستاده‌ای از جانب پروردگارت هستیم، بنی اسرائیل را با ما همراه کن و به آنها ستم نکن. ما با نشانه‌ای از جانب پروردگارت به سوی تو آمده‌ایم. و رستگاری برای کسی است که از هدایت حق پیروی کند.

حضرت یوسف به ناحق سالها براساس یک دروغ به زندان انداخته شد. هنگامی که او از زندان آزاد شد و قدرت زیادی در جامعه مصر به دست آورد، هرگز به دنبال استفاده از توانایی خود برای انتقام از کسانی که به او ظلم کردند، نبود، زیرا انتقام با اسلام ناسازگار است.

در نهایت، بنیاد پنجم، تأکید گسترده‌ای بر ریشه‌کن کردن خشونت و تشویق اصولی دارد که خواستار صلح و عدم خشونت هستند. در اسلام، خداوند دعوت‌کننده‌ی صلح است: «وَاللَّهُ يَدْعُوا بِالسَّلَامِ وَ هَدَيْنَا الْمَسْتَقِيمِينَ» و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. این دعوت عملی است، زیرا خداوند به مؤمنان دستور می‌دهد که در همه ابعاد جسمی، روحی و معنوی وارد آرامش شوند: «ای مؤمنان، تماماً وارد آرامش شوید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید. او دشمن آشکار شماست» (قرآن ۲: ۲۰۸). او به مؤمنان دستور می‌دهد که به محض عرضه‌ی صلح با شما موافقت کنند: «پس اگر از جنگ با شما دست بردارند و به شما پیشنهاد صلح دهند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که به آنها آسیبی برسانید» (قرآن ۴: ۹۰). و «اگر دشمن تمایل به صلح دارد، با آنها صلح کنید. و بر خدا توکل کن همانا او شنوا و داناست» (قرآن ۸: ۶۱).

راه و روش حضرت محمد یا سنت کاملاً مطابق با تعالیم قرآن است که توسط خود قرآن تقویت شده است: "وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ" (قرآن ۲۱: ۱۰۷). پیامبر پیوسته خشونت‌پرهیزی را آموزش می‌داد و برای اجتناب از جنگ تلاش می‌کرد، مگر زمانی که با یک تهدید وجودی مواجه می‌شد، همانطور که گفته خواهد شد. سنت او پافشاری در تکمیل شخصیت اخلاقی جوامع قبلاً متخاصم و تبدیل آن‌ها به جوامع یکپارچه و صلح‌آمیز است:

و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هر گونه وسیله ارتباط دیگر) چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد، شاید هدایت شوید. (قرآن ۳: ۱۰۳).

برقراری صلح در هویت جدید مسلمانان بسیار مهم بود، به گونه‌ای که پیامبر اسلام را به‌طور خاص با ویژگی‌های صلح‌جویانه خود تعریف می‌کرد: «مسلمان کسی است که از آسیب رساندن به مسلمانان با زبان و دست خود اجتناب کند» (صحیح البخاری ۱۰) و «مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او در امان باشند، و مؤمن کسی است که جان و مال مردم از او در امان باشد» (سنن النسائی، ۴۹۹۸ و ۴۹۹۹).

یکی از موضوعات ثابت تعالیم حضرت محمد (ص) که توسط بسیاری از محققان مورد توجه قرار گرفته است، تأکید بر ملایمت است. او می‌گوید: «خداوند ملایم است و نرمی را دوست می‌دارد و در برابر نرمی پاداش می‌دهد که در برابر خشونت هیچ چیز دیگری عطا نمی‌کند» (صحیح بخاری، ۶۹۲۷، صحیح مسلم، ۲۵۹۶). همسرش عایشه را نیز نصیحت کرد و گفت: نرم و آرام باش ای عایشه! ملایم باشید و از خشونت و گفتن چیزهای ناپسند پرهیزید» و او را اولین کسی می‌کند که در زبان عربی تهدید و افسانه‌ی پرخاشگرانه را خشونت (عنف) می‌نامد (صحیح البخاری ۶۴۰۱).

آموزه‌های نبوی نیز به صراحت توسل به خشونت یا تجاوز را منع می‌کند. به روایات زیر از حضرت محمد (ص) توجه کنید: هرکی بر ضد ما اسلحه به دست گیرد از ما نیست (صحیح البخاری، ۶۸۷۴ و ۷۰۷۰). مؤمن واقعی در دین خود آزاد است، مگر اینکه کسی را به ناحق بکشد» (صحیح البخاری،

(۶۸۶۲). «نخستین قضایایی که در میان مردم "در روز قیامت" قضاوت می‌شود، خونریزی است» (صحیح بخاری، ۶۸۶۴).

با این حال، همان‌طور که قبلاً ذکر شد، اسلام کمک‌های مثبت به جامعه و مشارکت فعال در به چالش کشیدن شر و ایجاد تمدن صلح و رفاه را تشویق می‌کند. برای دستیابی به هدف جهانی صلح‌آمیز و مرفه‌تر بدون نقض آموزه‌های بنیادین اسلام در مورد خشونت‌پرهیزی، باید به دنبال جایگزینی بهتر از خشونت و نظامی‌گری باشیم: جهاد بدون خشونت.

3. جهاد و اقدام بدون خشونت

تعریف جهاد در زبان عربی که ریشه در قرآن دارد، به معنای تلاش برای رسیدن به هدف تعریف شده است. طبق آیین و آداب، به معنای مبارزه برای فرمان دادن به خود به سوی فضیلت است. در شرایط بسیار محدود، مستلزم تلاش فرد در میدان نبرد است که جهاد نبرد یا جهاد قتالی نامیده می‌شود. با این وجود، جهاد نبرد، هنجار یا معیار جهاد نیست. در نظر بگیریید که براساس سنت صحیح پیامبر اسلام، بهترین شکل جهاد، بیان عادلانه به حاکم ستم‌گر است (جامع ترمذی، ۲۱۷۴، سنن ابی داود، ۴۳۴۴)، که نوعی «جهاد جنگی» نیست. افزون بر این، این که جهاد می‌تواند به صورت خودفرمایی منظم، سخن به ظالم و در نبرد با مخالفان خشن رخ دهد، نباید این نکته را مبهم سازد که در قرآن و سنت صحیح، جهاد در همه اشکال آن غیرخشونت‌آمیز است. خصلت قاطعانه غیرتهاجمی جهاد زمانی مشهود است که معیار طلایی تعیین شده توسط قرآن و سنت و زمینه محدودی که استفاده از هرگونه خشونت در آن‌ها موجه بوده است را مطالعه کنیم.

همان‌طور که در بخش 2 ذکر شد، حضرت محمد (ص) به عنوان یک صلح‌ساز بین گروه‌های قبیله‌ای متخاصم وارد مدینه شد. از اولین مؤسساتی که او تأسیس کرد، قانون اساسی مدینه بود (یلدیریم ۲۰۰۶)، که به صراحت می‌گوید: «یهودیان بنی عوف با مؤمنان یک اجتماع (امت) محسوب می‌شوند، برای یهودیان دین‌شان و برای مسلمانان یک موکل یا مولی است. اما هر کس مرتکب ظلم یا خیانت شود، فقط برای خود

و خانواده اش شر می آورد» (لکر ۲۰۰۴). سپس تمام جوامع یهودی مدینه را فهرست می‌کند و حقوق یکسانی را برای آنها تضمین می‌کند.

سند معتبر قانون اساسی مدینه نشان دهنده‌ی معیار طلایی نبوی در اسلام، مدارا با همه ادیان است. به‌طور مقایسه‌ی، ده آیه در مورد جهاد جنگی در قرآن وجود دارد که دستورات لازم برای عمل صحیح در مواجهه با تجاوزات خارجی را بیان می‌کند. ممکن است به نظر برسد آیاتی در مورد جهاد جنگی با معیار عدم تجاوز که در قانون اساسی و آیات فوق‌الذکر تعیین شده است، مغایرت دارد. با این حال، هنگامی که در بافت تاریخی ملت مدینه در حال توسعه خوانده می‌شود، آیات قرآن در مورد نبرد، ارزش‌های عدم تجاوز را تقویت می‌کند، توجیه استفاده محدود از خسونت را در شرایط سخت توضیح می‌دهد، و راهنمایی‌هایی را در مورد پاسخ‌های اخلاقی به تهدیدهای خارجی علیه ملت جدید مدینه ارائه می‌کند. به آیه زیر توجه کنید که قبل از جنگ بدر؛ اولین جنگی که مسلمانان با آن روبرو شدند، نازل شد:

در راه خدا با کسانی که با شما جنگ می‌کنند بجنگید و تجاوز نکنید که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد. هر جا که به آنها برخورد کردید آنها را بکشید و آنها را از جاهایی که شما را از آنجا بیرون کرده‌اند بیرون کنید. زیرا آزار و شکنجه (فتنه) به مراتب بدتر از کشتن است. و در مسجد الحرام با آنها نجنگید مگر اینکه در آنجا به شما حمله کنند. اگر چنین کردند با آنها بجنگید که این پاداش کافران است. و اگر دست بردارند، خداوند آمرزنده و مهربان است. با آنها بجنگید، اگر به شما آزار دادند، تا زمانی که دیگر آزاری نماند، و عبادت شما فقط برای خداست. اگر از آزار و اذیت شما دست بردارند، دشمنی جز با متجاوزان نباشد (قرآن ۲: ۱۹۰-۱۹۳). معمولاً تصور می‌شود که این بخش‌ها بسیار خسونت‌آمیز هستند، اما یک نگاه دقیق‌تر چهار اصل را برای درگیری خسونت‌آمیز ارائه می‌دهد.

اولاً، این آیه می‌گوید: «در راه خدا تنها با کسانی که با شما جنگ می‌کنند، بجنگید»، نه با کسانی که با شما جنگ کرده‌اند، و تأکید می‌کند که جنگ تنها زمانی مجاز است که تهدید نظامی مستقیم وجود داشته باشد. جنگ با کسانی که تهدید حیاتی ندارند، نامشروع است و در معرض انتقام‌جویی حساب می‌گردد که در اسلام حرام است. در مقابل انتقام، این آیه را تکرار می‌کند: «اگر دست بردارند، خداوند آمرزنده و مهربان است»

و «اگر دست بردارند، دشمنی جز با متجاوزان نباشد». ثانیاً، آیه زیر می‌آید: «و تجاوز نکنید که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد». ثالثاً، «هر جا که به سراغشان آمدی آنها را بکش» یعنی هر جا که در میدان جنگ به آنها برخورد کنید. این آیه بر اجازه جدید برای شرکت در جنگ پس از سال‌ها ممنوعیت صریح، زمانی که آنها به‌عنوان شهروند در کنار ستم‌گران خود در مکه زندگی می‌کردند، تأکید می‌کند. در واقع، اسلام به مستضعفان دستور نمی‌دهد که در برابر قاتلین خود تسلیم شوند. در عوض، شرکت در نبرد برای اهداف دفاعی برای از بین بردن ظلم را مجاز می‌کند.

در نهایت، این بخش هدف جهاد جنگی را توضیح می‌دهد: «با آنان اگر به شما آزار می‌دهند بجنگید تا دیگر آزاری (فتنه) نباشد و عبادت (شما) برای خدا باشد. جهاد جنگی فقط به دلیل بازدارندگی فتنه یا آزار مذهبی؛ مشروع و مجاز بود. فتنه عبارت از اجبار قهرآمیز علیه آزادی وجدان، چه مذهبی و چه غیرمذهبی است، که با سلب اساسی‌ترین آزادی خدادادی، افراد مجبور را از انسانیت خارج می‌کند. رویارویی با فتنه آنقدر تجربه‌ی شیطانی است که "بسیار بدتر از کشتن" است. آیات دیگر توجیه جنگ دفاعی برای بازدارندگی فتنه را تقویت می‌کند: «با آنها بجنگید تا دیگر آزاری (فتنه) باقی نماند. و عبادت (شما) تماماً برای خدا خواهد بود. و اگر دست بردارند، خداوند به آنچه انجام می‌دهند بیناست» (سوره ۸: ۳۹).

تفسیر توجیه جنگ در بالا به موازات آیات دیگری است که توجیه را توضیح می‌دهد: از تو (ای محمد) در مورد جنگ در ماه حرام سؤال می‌کنند. بگو: جنگ در آن (تجاوز) بزرگ است، ولی بازگرداندن (مردم) از راه خدا، و کفر ورزیدن به او و عبادتگاه محرمانه، و بیرون راندن قوم او از آنجا، بزرگترین عصیان است. در پیشگاه خدا؛ آزار (فتنه) بزرگتر از کشتن است. و از جنگ با شما دست بر نمی‌دارند تا این که اگر بتوانند دین شما را ملغا کنند (قرآن ۲: ۲۱۷).

علاوه بر این، قرآن می‌فرماید: «اجازه "جنگ" به کسانی که با آنها می‌جنگد داده شده است، زیرا به آنها ظلم شده است. و همانا خداوند قادر است که آنها را پیروز کند» (قرآن ۲۲: ۳۹). بار دیگر، فرمان مبارزه برای جلوگیری از ظلم و بی‌عدالتی به‌طور گسترده و آزار مذهبی و سلب آزادی وجدان، است.

مفهوم چهار اصل ذکر شده در بالا، حمایت گسترده از راهبردهای بازدارندگی است، که اسلام به صراحت از آن به‌عنوان یک راهبرد موقت برای بیرون راندن متجاوزان احتمالی درحالی‌که به دنبال صلح هستند، حمایت می‌کند:

و هرچه می‌توانی در برابر آن‌ها آماده کن، از جمله اسب‌هایی که دشمن خدا و دشمن تو را تهدید می‌کنند و غیر از آن‌ها را نمی‌شناسی، ولی خدا می‌شناسد. و هرچه در راه خدا انفاق کنید به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نمی‌شود. و اگر به صلح گرایش دارند، به آن تمایل داشته باش و بر خدا توکل کن. همانا او شنوا و داناست (قرآن ۸: ۶۰-۶۱).

آیات فوق به مسلمانان دستور می‌دهد که برای بازدارندگی کافران متخاصم از حمله، تا جایی که کافران مصمم به حمله به مسلمانان هستند، نمادهای آشکار قدرت، مانند اسب‌های قوی آماده کنند. همچنین پیشنهاد می‌کند که اگر دشمنان مسلمانان به صلح تمایل دارند، مسلمانان نیز باید به سمت آن متمایل شوند. هریک از آیه‌های سیزده‌گانه‌ی که مسلمانان را به شرکت در جنگ مجاز می‌کند و به آن‌ها دستور می‌دهد که قبلاً در این بخش به برخی از آن‌ها اشاره شد، با چهار اصل ذکر شده در آیات فوق مطابقت دارد (قرآن ۲: ۱۹۰-۱۹۴، ۸: ۳۹، ۸: ۶۰-۶۱، ۵: ۹، ۲۶: ۹، ۳۶: ۹، ۱۲۳: ۹، ۲۲: ۳۹، ۴۷: ۴-۵).

جالب اینجاست که منتقدان اسلام ادعا می‌کنند که اسلام به دو دوره تقسیم می‌شود، دوره مکه که مسلمانان در آن اقلیتی تحت ستم در یک حکومت بت‌پرستان بودند و دوره مدینه که مسلمانان هجرت کردند و حکومت خود را تأسیس کردند. آن‌ها ادعا می‌کنند که اسلام به‌طور خاص در دوره مدینه خواستار خشونت بود. با این حال، تمام دستورات عملی صلح از چهار اصل که در مورد همه آیات نبرد تا خشونت‌پرهیزی از هابیل اعمال می‌شود، در متن مدینه نازل شد و تأکید می‌کند که تأکید اسلام بر فرهنگ صلح‌آمیز و بدون خشونت در سراسر زندگی حضرت محمد (ص) ثابت است. بنابراین، درحالی‌که اصل پاسخ به شر با مهربانی برای تبدیل دشمنان به دوستان برای اولین بار در دوره مکه آشکار شد (قرآن ۴۱: ۳۴)، در مدینه با داستان عدم خشونت، اصول هابیل تقویت می‌شود.

سیرت پیامبر اسلام بیانگر عمل به چهار اصل فوق و رویکردی برای تبدیل درگیری خشونت آمیز به مبارزه غیرخشونت آمیز و عدم درگیری است. ابن دقیق العید (۱۲۲۲-۱۳۰۲ م)، فقیه و حدیث شناس، به این موضوع پرداخته و گفته است که فرمان جنگ در قرآن لزوماً مستلزم کشتن دشمن نیست (العید ۱۹۸۷). نمونه‌ای عالی از درگیر شدن در برنامه‌ریزی راهبردی برای جلوگیری از کشتن مخالفان خشن و در عین حال به چالش کشیدن آن‌ها، با نقاط عطف مهم نهضت حضرت محمد (ص) ارائه شده است: (هجرت) به حبشه و مدینه، پیمان حدیبیه، و آزادی مکه.

اول، مسلمانان در مواجهه با سرکوب شدید، شکنجه و آزار و اذیت مذهبی، می‌توانستند برای دفاع از خود در برابر نخبگان مشرک مکه به خشونت متوسل شوند. با این حال، حضرت محمد خشونت را منع کرد و به مسلمانان اجازه داد تا هجرت کنند یا به حبشه مهاجرت کنند، جایی که یک پادشاه مسیحی عادل می‌تواند به آنها پناه دهد و درگیری خشونت یک طرفه را به یک درگیری بدون خشونت تبدیل کند. در همین حال، حضرت محمد (ص) در مکه ماند و تمام طایفه و یارانش را تحریم و سنگربندی کردند تا اینکه پیامبر (ص) هجرت را به مدینه تسهیل کرد (جین شارپ ۱۹۷۳، ص ۲۱۱) هجرت یا هجرت اعتراضی را یکی از ۱۹۸ روش اقدام غیرخشونت آمیز یاد می‌کند و به صراحت از فرار پیامبر از مکه به مدینه «به جای تسلیم در برابر ظلم در مکه» به عنوان نمونه‌ی اصلی یاد می‌کند.

دوم، در سال ششم پس از هجرت به مدینه و پس از چندین جنگ دفاعی علیه نخبگان مکه، پیامبر اکرم (ص) پیمان صلح ده ساله حدیبیه را امضا کرد. این معاهده یکی از بارزترین جلوه‌های رویکرد خشونت‌پرهیز اسلام بود. مسلمانان در راه انجام عمره (زیارت در مکه) با پوشیدن لباس عمره آن را امضا کردند. باشندگان مکه، مراسم زیارت مسلمانان را به عنوان به چالش کشیدن اقتدار خود می‌دانستند، بنابراین راه آن‌ها را به مکه مسدود کردند. حضرت محمد (ص) یک معاهده صلح را پیشنهاد کرد که در آن به بسیاری از خواسته‌های مکه رضایت داد که بسیاری از یاران پیامبر ناامید شدند (صحیح البخاری ۲۷۳۱ و ۲۷۳۲). اصحاب پیامبر مفاد عهدنامه را تحقیرآمیز و بیش از حد در حق خود ناعادلانه می‌دانستند. از جمله شروطی که پیامبر برای عدم درگیری پذیرفته است، رد و بازگرداندن هر مسلمانی است که بدون اجازه نخبگان مکه از مکه به مدینه

می‌گریزد و در عین حال به هر کدام از باشندگان مدینه اجازه می‌دهد که به سوی نخبگان مکه هجرت کند و با آن‌ها متحد شود. علاوه بر این، مسلمانان در آن سال بدون انجام مراسم باید مکه را ترک می‌کردند و میانجی‌گری می‌کردند که یک پیمان صلح ده ساله را امضا کنند. عهدنامه حدیبیه بدون اطلاع اصحاب ناامید به آنها فرصت داد تا قبایل و قبایل همسایه را به اسلام دعوت کنند. گرویدن گروه‌های همسایه به اسلام، یک استراتژی بلندمدت ثمربخش برای مسلمانان به همراه داشت، زیرا قبایل جدید مسلمان بیشتر احتمال داشت کالاهای مکه را تحریم کنند (مامون ۲۰۱۹). شارپ (۱۹۷۴) اشاره می‌کند که تحریم‌های اقتصادی روش‌های غیرخشونت‌آمیز فوق‌العاده موثری برای تغییرات اجتماعی هستند. بار دیگر، پیامبر موقعیتی را که پتانسیل درگیری خشونت‌آمیز داشت، در کوتاه‌مدت به عدم‌درگیری تبدیل کرد و در درازمدت از راهبرد درگیری غیرخشونت‌آمیز استفاده کرد.

سوم، آزادسازی مکه، تهاجم غیرخشونت‌آمیز به مکه دو سال پس از شکسته شدن پیمان حدیبیه توسط متحدان مکه، نمونه منحصر به فرد دیگری از رویکرد غیرخشونت‌آمیز نبوی در مورد درگیری است. به گفته شارپ (۱۹۷۳، ص ۳۸۲)، تهاجم غیرخشونت‌آمیز، ورود عمدی و باز به منطقه‌ای است که قبلاً «ممنوع» بود، برای نشان دادن امتناع از به رسمیت شناختن حق رژیم کنترل‌کننده برای اعمال کنترل بر آن منطقه یا استفاده از آن برای یک منطقه خاص. پس از نقض آشکار عهدنامه‌ی حدیبیه، علی‌رغم پیروی مسلمانان از شروط پرهزینه این قرارداد، مسلمانان تصمیم گرفتند به مکه بازگردند و اموال خود را پس بگیرند و مسلمانان را که مجبور به زندگی تحت حاکمیت مشرکان مکه طبق شرایط عهدنامه شده بودند آزاد نمایند. با این حال، با پایان یافتن تهاجم و رهایی مسلمانان در مکه از کنترل نخبگان مکه، پیامبر اسلام از تمام نخبگان مشرک مکه که طی تقریباً دو دهه تبعید، شکنجه و جنگ علیه مسلمانان را آغاز کردند، عفو و بخشش کامل را اعلام کرد. مکی‌ها می‌توانستند اموال خود را حفظ کنند و فقط باید آنچه از مسلمانان ربوده شده بود، پس می‌دادند. علاوه بر این، به مشرف‌شدگان جدید مکه که به اسلام گرویدند، و تحت عنوان «معالف الناس» طبقه‌بندی می‌شدند، منابع زیادی برای تسهیل گذار آن‌ها برای زندگی در یک فرهنگ و سیاست جدید، ارائه شد. نحوه برخورد پیامبر با ستم‌گران مکه پس از آزادی مکه، نمونه‌ی عالی از مزایای سیاسی-اقتصادی بخشش، از جمله حفظ سرمایه انسانی، حاکمیت قانون، و ثبات سیاسی است (Coyne and

Boettke 2007). در این دست‌آورد مهم، پیامبر از اقدام غیرخشونت‌آمیز برای رهایی یک نظام سیاسی مکه که قبلاً ضعیف شده بود استفاده کرد و سپس منازعه غیرخشونت‌آمیز را به یک رابطه مسالمت‌آمیز بین مسلمانان و مکی‌ها تبدیل کرد که بعداً به اسلام گرویدند.

این خطای عمیقی است که هجرت، امضای عهدنامه حدیبیه و آزادسازی مکه را خارج از محدوده‌ی جهاد بدانیم. در عوض، سنت نشان می‌دهد که در همه موقعیت‌هایی که ممکن است از درگیری پرهزینه، اجتناب باید کرد. و در جایی که نمی‌تواند، درگیری بدون خشونت در اولویت است. در واقع، سیره پیامبر منعکس‌کننده‌ی آیات است که او تنها در هنگام مواجهه با تهدیدات وجودی، درگیر منازعات خشونت‌آمیز بود.

4. چرا عدم‌خشونت در چارچوب اسلامی برتر است؟

اگر درگیر شدن در درگیری‌های خشونت‌آمیز یا غیرخشونت‌آمیز تحت شرایط دفاعی یا حمایت از حقوق مجاز است، چرا هنگام جستجوی تغییرات سیاسی-اجتماعی، اقدام غیرخشونت‌آمیز را در اولویت قرار دهیم؟ سنت اسلامی دلایل بسیاری را به ما ارائه می‌کند تا اقدامات غیرخشونت‌آمیز را بر خشونت ترجیح دهیم، حتی زمانی که هر دو مجاز باشند.

اول، مسلمانان به خود می‌بالند که پیرو یک دین عمل‌گرایانه هستند، با حوزه‌ای کامل به نام مقاصد الشریعه، یا اهداف قانون، که به تفصیل اهدافی را که شریعت اسلامی باید انجام دهد و حقوقی را که می‌خواهد حمایت کند، بیان می‌کند. درحالی‌که متون اسلامی پیش‌فرض‌های اخلاقی قوی علیه خشونت ارائه می‌کنند، همان‌طور که در دو بخش قبل ذکر شد، دلایل عمل‌گرایانه و ابزاری برای استفاده از روش‌های غیرخشونت‌آمیز برای تغییر اجتماعی وجود دارد. کار شارپ مطالعه آکادمیک اقدامات غیرخشونت‌آمیز، اثربخشی و پیامدهای افزایش‌دهنده‌ی رفاه را آغاز کرد (شارپ ۱۹۹۴، ۲۰۰۵، ۲۰۱۳؛ آکرم و دووال ۲۰۰۰؛ چنووت و استفان ۲۰۱۱؛ سلستینو و گلدیچ ۲۰۱۳؛ لامباخ و همکاران). رویکرد عمل‌گرایانه باید مسلمانان را در انتخاب مؤثرترین روش برای رسیدن به اهداف یک جنبش اجتماعی راهنمایی کند. تحقیقات تجربی، اثربخشی بیشتر کارزارهای غیرخشونت‌آمیز را نشان می‌دهد: «بیش از ۵۰ درصد از انقلاب‌های

غیرخسونت‌آمیز از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۹ کاملاً موفق بوده‌اند - درحالی‌که فقط حدود ۲۶ درصد از انقلاب‌های خسونت‌آمیز موفق بوده‌اند» (چنویت ۲۰۲۱، ص ۱۴).

علاوه بر این، یکی از جلوه‌ها و ویژگی‌های افزایش رفاه در تغییر رژیم غیرخسونت‌آمیز، رابطه ثابت شده تجربی بین تغییر رژیم غیرخسونت‌آمیز و پاسخ‌گویی دولت به منافع شهروندان است. رژیم‌های دموکراتیک که در نتیجه‌ی مقاومت غیرخسونت‌آمیز به‌وجود آمده‌اند، بیشتر از تغییر رژیم تحت رهبری نخبگان یا خسونت‌آمیز، زنده می‌مانند (Bayer et al. 2016).

علاوه بر این، دموکراسی به دلیل تغییر رژیم غیرخسونت‌آمیز به‌عنوان کیفیت بالاتری نسبت به دموکراسی‌سازی تحت رهبری نخبگان یا خسونت‌آمیز در حاشیه‌های زیر براساس شاخص پلی‌ارشی مشخص می‌شود: ۱. منتخب اجرایی ۲. انتخابات آزاد و منصفانه ۳. آزادی بیان ۴. استقلال انجمنی و ۵. شهروندی فراگیر (Bethke and Pinckney 2019). تأثیر مثبت تغییر رژیم غیرخسونت‌آمیز بر نهادهای دموکراتیک از طریق مکانیزم‌های متعددی رخ می‌دهد. اول، کارزارهای غیرخسونت‌آمیز با مشارکت مدنی مردمی در مقیاس بزرگ مشخص می‌شوند (چنویت و استفان ۲۰۱۱؛ چنویت ۲۰۲۱) که معمولاً شامل افراد از احزاب و دیدگاه‌های سیاسی مختلف می‌شود. چنین فضای سیاسی برای رقابت چندحزبی مساعد است. دوم، تغییر رژیم غیرخسونت‌آمیز، که با سطوح بالاتر مشارکت غیرنظامی مشخص می‌شود، از حضور بیش از حد نیروی نظامی محافظت می‌کند، که سپس بیش از حد در تصمیم‌گیری‌های سیاسی درگیر می‌شوند و حکومت دموکراتیک را محدود می‌کنند. ثالثاً، کارزارهای غیرخسونت‌آمیز، فرهنگ سیاسی را با سوق دادن مردم به این‌که خود را منبع مشروعیت بدانند و گنجاندن توانایی‌شان برای ایجاد یک تغییر سیاسی واقعی در حافظه‌شان، تغییر می‌دهد. دست‌آوردهای گذشته تغییر رژیم غیرخسونت‌آمیز احتمالاً شهروندان را جرأت می‌دهد تا تهدیدات معتبری برای حفاظت از نهادهای دموکراتیک ایجاد کنند، زیرا فعالان می‌توانند برای بسیج مجدد به موفقیت‌های گذشته اشاره کنند.

دوم، روش‌های غیرخشونت‌آمیز محیطی سالم برای گفتمان ایجاد می‌کنند. خشونت‌پرهیزی از این جهت ارزش ابزاری دارد که محیطی را ایجاد می‌کند که در آن ایده‌های اصلاحی اجتماعی می‌توانند نور روز را ببینند. استفاده از روش‌های غیرخشونت‌آمیز علیه مخالفان خشونت‌آمیز به مردم می‌رساند که با صدای مخالف با زور وحشیانه، مواجه نمی‌شود. مردم را برای شرکت در گفتمان سیاسی بدون تکیه بر خشونت، در عوض با توسل به خرد جمعی آماده می‌کند. قرآن خواستار ایجاد محیطی است که ویژگی آن گفتمان صلح‌آمیز باشد تا بتوانیم حقیقت را با دقت جستجو کنیم و درگیری اجتناب‌ناپذیر منجر به خونریزی نشود. در واقع، ضرورت گفتمان مبتنی بر شواهد و دلیل عمومی را در مقابل درگیری خشونت‌آمیز با همه تأیید می‌کند. قرآن هنگام پرداختن به استدلال‌های مسیحیان و یهودیان می‌فرماید: و می‌گویند: «هیچ‌کس وارد بهشت نمی‌شود مگر این‌که یهودی یا مسیحی باشد.» این خواسته‌های آن‌هاست. بگو: اگر راست می‌گویید، دلیل بیاورید (قرآن ۲: ۱۱۱). با توجه به این‌که سرنوشت انسانی به‌طور اجتناب‌ناپذیری متفاوت است، جامعه‌ی که به آموزه‌های قرآنی پایبند باشد، متقابلاً با نصیحت، راهنمایی و استدلال مبتنی بر توجه مثبت به یکدیگر، در مقابل اتهامات و تهمت‌های مقاصد، مشخص می‌شود.

سوم، روش‌های غیرخشونت‌آمیز محیطی سالم برای چالش‌های فکری و علمی ارائه می‌دهند که برای اجتهاد ایده‌آل است. اجتهاد را می‌توان به‌عنوان استدلال حقوقی مستقل علمی از طریق اعمال قوای ذهنی در یافتن راه‌حل برای یک مسئله حقوقی تعریف کرد. بسیاری از محققان خاطرنشان می‌کنند که تأخیر و ویژگی محافظه‌کارانه اجتهاد در جهان اسلام در طول دو قرن گذشته، بخشی از استبداد و توسعه نیافتگی گسترده‌ی جهان اسلام را هدایت کرده است (Kuran 2010; Kuru 2019). اجتهاد هنگام رویارویی با موقعیت‌های بدیع ضروری است و محیط گفتمان آزاد اجازه می‌دهد تا حقیقت به‌طور مؤثرتر از محیطی که ایده‌ها در آن به چالش کشیده شوند، آشکار شود.

چهارم، روش‌های غیرخشونت‌آمیز به کاربران خود قدرت باز بودن و عدم رازداری را ارائه می‌دهند (شارپ ۱۹۷۳، ص ۹۲-۴۸۱). شفافیت خشونت‌پرهیزی از عامل ترسی که دیکتاتورها برای حفظ سلطه خود استفاده می‌کنند، از بین می‌برد. با درونی کردن خواسته و آشکار مجازات‌های دیکتاتورها، توانایی اجرای

تحریم‌ها قدرت خود را به‌عنوان منبع قدرت از دست می‌دهد و ترس از تحریم دیگر برای دور نگه داشتن مردم از نافرمانی مدنی کافی تلقی نمی‌شود. شدیدترین اعتراض به رازداری، که شاخص اکثر شورش‌های خشونت‌آمیز است، این است که نه تنها ریشه در ترس دارد، بلکه فرهنگ ترس را که دیکتاتورها از آن به‌عنوان منبع قدرت استفاده می‌کنند، تداوم می‌بخشد. اقدام غیرخشونت‌آمیز تا حد زیادی به رد آن ترس و به چالش کشیدن ظلم علنی بستگی دارد، جایی که توهین اعضای گروه غیرخشونت‌آمیز یا حتی اشخاص ثالث را تشویق می‌کند که ترس را کنار بگذارند و صادقانه زندگی کنند، نه به‌صورت دوگانه. صرف نظر از انگیزه، پنهان‌کاری گروه‌های خشونت‌آمیز، که در آن رهبری اغلب برای جلوگیری از دستگیری پنهان می‌شود، ممکن است به عنوان رهبری استثمارگر که از زندان و رنج دوری می‌کند و گروه خود را در معرض خطر قرار می‌دهد، تفسیر یا تبلیغ شود. فقدان جسارت رهبری می‌تواند کسانی را که در موقعیت‌های پایین‌تری قرار دارند به شدت از مواجهه با خطراتی مانند زندان یا شکنجه منصرف کند. گروه‌های خشونت‌آمیز از نفوذی‌ها، خبرچین‌ها و جاسوسان می‌ترسند، زیرا آن‌ها بی‌نهایت محرمانه عمل می‌کنند و ممکن است مجبور شوند برای حفظ محرمانه بودن، تعداد خود را کاهش دهند. در مقایسه با آن، صراحت، کار خبرچین‌ها و نفوذی‌ها را بی‌فایده می‌کند، زیرا با جاسوسی چیزی به دست نمی‌آید. همچنین محدودیت‌های ایجاد یک حرکت بزرگ‌تر را از بین می‌برد، زیرا حفظ اسرار یک نگرانی نیست. حذف محدودیت‌ها برای ایجاد کارزارهای بزرگ اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا مهم‌ترین مزیت و پیش‌بینی‌کننده موفقیت جنبش‌های غیرخشونت‌آمیز، توانایی آن‌ها در جذب گروه‌های بزرگ‌تری از جامعه به سوی هدف خودشان است (چنویت ۲۰۲۱).

پنجم، روش‌های غیرخشونت‌آمیز، استدلال‌های مخالفان را مبنی بر این که کسانی که به دنبال تغییر اجتماعی هستند، شورشیان یا تروریست‌های بی‌رحمانه هستند، فرو می‌ریزد، که واکنش معمول دولت‌ها در مواجهه با اعتراضات در مقیاس بزرگ است. درحالی‌که روش‌های خشونت‌آمیز مقاومت ممکن است فقط در زمینه‌های خاص و روش‌های محدود باشد، اغلب به آسیب‌های جانبی منجر می‌شوند. افراد بی‌گناهی که دخیل درگیری نیستند، ممکن است در اثر حادثه توسط کسانی که برای حقوق خود با خشونت مبارزه می‌کنند، جان خود را از دست بدهند یا ممکن است در اثر واکنش ظالم، جان خود را از دست بدهند. علاوه بر این، درگیری‌های خشونت‌آمیز منجر به ازدست‌دادن قابل توجهی سرمایه فیزیکی و انسانی می‌شود و یک

کشور را فقیر می‌کند. پیامدهای منفی درگیری‌های خشونت‌آمیز اغلب به گردن کسانی می‌افتد که با مطالبه خشونت‌آمیز حقوق خود، مقاومت را آغاز می‌کنند و حقیقت یک موقعیت را نامشخص می‌کنند. در مقایسه، روش‌های غیرخشونت‌آمیز، تضاد بزرگی را بین روش‌های مسالمت‌آمیز کسانی که به دنبال تغییرات اجتماعی مثبت هستند و روش‌های وحشیانه‌ی منحصربه‌فرد سرکوب‌گران را آشکار می‌کند. تفاوت آشکار حق و باطل ظلم، جلوه‌ای از آیه زیر است: بلکه حق را بر باطل می‌کوبیم و آن را ازین می‌برد و سپس ازین می‌رود (قرآن ۲۱: ۱۸). با افشای شخصیت واقعی ستم‌گران، مشروعیت آن‌ها بیشتر ازین می‌رود و کسانی که به دنبال تغییرات مثبت اجتماعی هستند، می‌توانند به‌طور مؤثرتری حق را در برابر باطل و شر، دعوت کنند.

5. نتیجه‌گیری

در اسلام، بالاترین هدفی که خداوند از انسان‌ها خواسته است، که همه پیامبران الهی در پی آن بوده‌اند، ایجاد فرهنگ زندگی است. در فرهنگ زندگی، انسان‌ها قادرند و اجازه دارند تا بهترین ظرفیت‌های خود را برای مشارکت مثبت استفاده نمایند. قرآن و سیره نبوی به قدری بر فرهنگ زندگی تأکید دارند که حتی شهادت در راه خدا را نوعی زندگی می‌دانند: «و به کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند نگویند: مرده‌اند، بلکه زنده‌اند، ولی شما نمی‌فهمید» (قرآن ۲: ۱۵۴). و باز هم کشته‌شدگان در راه خدا را مرده مپندارید. همانا آن‌ها زنده‌اند و نزد پروردگارش روزی می‌خورند» (قرآن ۳: ۱۶۹). شهیدان در راه اسلام « نمی‌میرند». آن‌گونه که قرآن بیان می‌کند، رحلت شهید تنها گذری برای زندگی بیشتر است. اسلام مرگ‌طلبی را تشویق نمی‌کند، فقط به دنبال زندگی شرافت‌مندانه است.

همان‌طور که در این مقاله تأکید کردیم، خشونت در اسلام تنها زمانی مجاز است که جامعه‌ای با تهدیدهای وجودی روبرو شود: تهدید در برابر موجودیت یا بقای مردم. و حتی در این صورت، خشونت تنها در حدی مجاز است که از تهدیدهای وجودی جلوگیری کند، و هرگز برای تجاوز. اصول اخلاقی که در بالا ذکر شد توسط بسیاری از رهبران مسلمان پیروی می‌شد که یکی از بهترین مظاهر آن در حرکت امام حسین بن علی (ع) (۶۲۶-۶۸۰ بعد از میلاد)، نوهی پیامبر اسلام (ص) بود. هنگامی که ظالمان امپراتوری اموی، درها را برای زندگی شرافت‌مندانه بستند، به‌گونه‌ای که انسان‌ها دیگر نمی‌توانستند آزادانه به وجدان خود عمل کنند و مشارکت مثبتی در جامعه داشته باشند، او با امتناع از بیعت با رژیم ظالم بنی امیه، بر زندگی شرافت‌مندانه اصرار داشت. در نتیجه او و پیروانش با جنگ نابودی روبرو شدند. از نظر امام حسین (ع)؛ زندگی در ظلم مساوی است با مرگ معنوی، زیرا تمام اختیارات انسان ازین رفته است. از این رو، واقعه کربلا؛ محل کشتار جمعی اولاد پیامبر و پیروان آن‌ها، ترجیح زندگی با خدا را در قالب شهادت، بر مرگ معنوی از طریق زندگی در تحت ظلم و ستم نشان می‌دهد. و الهام‌بخش عزم راسخ در جستجوی زندگی شرافت‌مندانه است.

نکته مهم این است که نظامی‌گری؛ به‌عنوان اخلاقی که خشونت را به‌هیئت ابزار اصلی برای حل تعارض ارتقا می‌دهد، فرهنگ خشونت و مرگ را تداوم می‌بخشد و فرهنگ زندگی را تحت شعاع قرار می‌دهد. با

اهدافی که خداوند دین را نازل کرد و پیامبران را برای هدایت مردم به سوی آنان فرستاده، به طور قطعی در تضاد است. همان طور که ادبیات معاصر در مورد تغییر رژیم نشان می دهد، نه برای زندگی شرافت مندانه مفید است و نه در جایگزینی استبداد با عدالت مؤثرتر است. در مواجهه با شواهد فراوان در مورد بیهودگی و زیان های خشونت و جنگ، وظیفه مسلمانان و به طور کلی بشریت، سازماندهی روش های جایگزین حل مناقشه و کاهش تهدید است. اقدام بدون خشونت یکی از این نمونه های جایگزین مؤثر و برتر برای خشونت است. روش هایی که ما را به سمت فروپاشی فرهنگ معنوی و مرگ سوق نمی دهند، همان طور که بشر اغلب چنین کرده است.

منابع و مأخذ

- AbuKhalil, As'ad. 2004. "The Islam Industry" and Scholarship: Review Article. *Middle East Journal* 58(1): 130-137.
- Abu-Nimer, Mohammed. 2000. "A Framework for Nonviolence and Peacebuilding in Islam." *Journal of Law and Religion* 15(1/2): 217-265.
- Ackerman Peter and Jack DuVall. 2000. *A Force More Powerful: A Century of Nonviolent Conflict*. New York, NY: St. Martin's Press.
- Akyol, Mustafa. 2021. *Reopening Muslim Minds: A Return to Reason, Freedom, and Tolerance*. New York, NY: St. Martin's Press.
- Al-Eid, Muhammad Ibn Daqiq. 1987. *Ihkam Al-Ahkam Sharh 'Umdat Al-Ahkam*. Cairo, Egypt: Dar Al-Kutub Al-Salafiyyah bil Qahirah.
- Al-Mamun, Abdullah. 2019. "The Role of the Treaty of Hdaybiah in International Relations." *Malaysian Journal of Islamic Studies* 3(2): 133-141.
- Bethke, Felix S., and Jonathan Pinckney. 2019. "Non-violent resistance and the quality of democracy." *Conflict Management and Peace Science* 38(5): 503-523.
- Celestino, Mauricio Rivera and Kristian Skrede Gleditsch. 2013. "Fresh carnations or all thorn, no rose? Nonviolent campaigns and transitions in autocracies." *Journal of Peace Research* 50(3): 385-400.
- Chenoweth, Erica. 2021. *Civil Resistance: What Everyone Needs to Know*. New York, NY: Oxford University Press.
- Chenoweth, Erica, and Maria Stephan. 2011. *Why Civil Resistance Works: The Strategic Logic of Nonviolent Conflict*. New York, NY: Columbia University Press.
- Esposito, John L. 1992. *The Islamic Threat: Myth or Reality*. New York: Oxford University Press.
- _____. 2002. *Unholy War; Terror in the Name of Islam*. New York, NY: Oxford University Press.
- Gleditsch, Nils Petter and Ida Rudolfson. 2016. "Are Muslim Countries More Prone to Violence?" *Research & Politics* 3(2).
- Goodman, Lenn E. 2003. *Islamic Humanism*. New York, NY: Oxford University Press.
- Hafez, Mohammed M. 2003. *Why Muslims Rebel: Repression and Resistance in the Islamic World*. Boulder, CO: Lynne Rienner.
- Halverson, Jeffrey R. 2012. *Searching for a King: Muslim Nonviolence and the Future of Islam*. Washington, DC: Potomac Books.
- Huntington, Samuel P. 1996. *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*. New York, NY: Simon & Schuster.

- Jackson, Sherman. 2002. "Jihad and the Modern World." *Journal of Islamic Law and Culture* 7(1): 1-26.
- Jami' at-Tirmidhi. <https://sunnah.com/tirmidhi>.
- Kuran, Timur. 2010. *The Long Divergence: How Islamic Law Held Back the Middle East*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Kurtz, Lester R. 2011. "PEACE PROFILE: Abdul Ghaffar Khan's Nonviolent Jihad." *Peace Review: Journal of Social Justice* 23(2): 245-251.
- Kuru, Ahmet. 2019. *Islam, Authoritarianism, and Underdevelopment: A Global Historical Method*. New York, NY: Cambridge University Press.
- Lambach, Daniel, Markus Bayer, Felix S. Bethke, Matteo Dressler, and Véronique Dudouet. 2020. *Nonviolent Resistance and Democratic Consolidation*. Switzerland: Palgrave Macmillan.
- Lecker, Michael. 2004. *The "Constitution of Medina": Muhammad's First Legal Document*. Princeton, NJ: Darwin Press.
- Lewis, Bernard. 2003. *Crisis of Islam: Holy War and Unholy Terror*. New York, NY: Modern Library.
- Quran. <https://quran.com/en>.
- Said, Edward. 1981 [1997]. *Covering Islam: How the Media and the Experts Determine How We See the Rest of the World*. New York, NY: Vintage Books.
- Sahih Al-Bukhari. Tr. M. Muhsin Khan. <https://sunnah.com/bukhari>.
- Sahih Muslim. Tr. Abdul Hamid Siddiqui. <https://sunnah.com/Muslim>.
- Said, Jawdat. 1993. *Madhhab ibn Ādam al-awwal: Mushkilat al-'unf fi 'amal al-islāmī*. Beirut: Dār al-Fikr.
- Sayilgan, Salih. 2019. *An Islamic Jihad of Nonviolence: Said Nursi's model*. Eugene, OR: Cascade Books.
- Sharp, Gene. 1973. *The Politics of Nonviolent Action*, 3 parts. Boston, MA: Porter Sargent.
- _____. 1994. *From Dictatorship to Democracy: A Conceptual Framework for Liberation*. Cambridge, MA: The Albert Einstein Institution.
- _____. 2005. *Waging Nonviolent Struggle: 20th Century Practice and 21st Century Potential*. Boston, MA: Porter Sargent.
- _____. 2013. *How Nonviolent Struggle Works*. Cambridge, MA: Albert Einstein Institution.
- Stephan, Maria J. 2009. *Civilian Jihad Nonviolent Struggle, Democratization, and Governance in the Middle East*. New York, NY: Palgrave Macmillan.

Sunan Abi Dawud. <https://sunnah.com/abudawud>.

Sunan An-Nasa'i. <https://sunnah.com/nasai>.

Tabassum, Sadia. 2019. "Bernard Lewis on Islam and Violence: A Critical Appraisal." *Islamic Studies* 58(1): 9-32.

Yildirim, Yetkin. 2006. "Peace and Conflict Resolution in the Medina Charter." *Peace Review: Journal of Social Justice* 18: 109-117.